

شعر زلال با تکیه بر اشعار بیلوردی

مهری سادات جلالی حاجی آبادی*^۱ و معصومه خدادادی مهاباد^۲

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین، پیشوا
^۲ کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۶

چکیده

این مقاله با عنوان "شعر زلال با تکیه بر اشعار بیلوردی" به بررسی یکی از جریان‌های شعری معاصر می‌پردازد این قالب از جدیدترین قالب‌های شعر فارسی است. زلال شعری است با طول وزن پله‌ای که به‌طور مساوی از کم شروع شده و در کم نیز تمام می‌شود؛ این نوع شعر دارای ۵ الی ۱۱ سطر می‌باشد. از لحاظ وزن به طولانی‌ترین سطر که سطر وسطی می‌باشد "سطر مادر" و سطرهای اطراف، "سطرهای قرینه" می‌گویند. زلال دارای دو نوع (عروض و آزاد) می‌باشد که هر کدام برای خود اصول و تعاریف خاصی دارد. شعر زلال چهار شکل قانونمند دارد: مثلث-پنج ضلعی-لوزی-شش ضلعی که هر کدام براساس رعایت وزن و تعریف به‌دست می‌آیند و دارای موسیقی منظم است که به حالت منظم صعود و نزول می‌کند مخصوصاً در زلال عروضی که موسیقی خاص آن تا به حال در قالب‌های هیچ سبکی دیده نشده است. پس می‌توان گفت در اتفاقی نادر، زلال یک قالب و سبک جدید در دنیای ادبیات معاصر می‌باشد و در بین قالب‌های منظوم کلاسیک نظیر ندارد. "زال" قالبی منحصر به فرد و ساختارشکن و هنجارشکن است و مستقل و متفاوت از قالب‌های منظوم (غزل، مثنوی، رباعی، چهار پاره و امثالهم) و منثور (مرسل، بحر طویل، مسجع، بینابین، نثر کوتاه، نثر بلند، نثر فنی، نثر موزون افاعیلی و...) می‌باشد. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف روشن شدن یکی از بدیع‌ترین جلوه‌های شعر معاصر نوشته شده است.

واژگان کلیدی: شعر نو، نوآوری، شعر زلال، عظیمی بیلوردی، زلال نویسی، قانون شعر زلال

مقدمه

دیرزمانی است اوزان عروضی و قالب‌ها چه در سبک گذشته مرسوم (غزل، مثنوی، رباعی، قصیده، دوبیتی، چهار پاره...) و چه در روش نیمایی، به صورت تکراری و همچنین قالب‌ها به‌طور مرتب پیش می‌روند و چندان تغییر اساسی و ساختار شکنی در آن صورت نگرفته است و از یک سو هم ساختارهای بدون دیوار و نظم‌هایی در نهایت بی‌نظمی به نام شعر سپید و نثرواره از مدار خارج می‌شوند. لذا لزوم قالبی تازه با اصول و تعریفی علمی در عالم شعر معاصر احساس می‌شود تا راهگشا باشد برای آنهایی که می‌خواهند جوهره احساس و پیام خود را در نظم و قالبی جدید به عرصه ظهور و عمل برسانند. قالبی که این روزها با نام (زالال) به صف قالب‌های تعریف شده علمی چون (غزل - مثنوی - رباعی...) اضافه شده، همانند آنها کاملاً علمی و تخصصی است.

یکی از راه‌های شناخت اندیشه و نظام ذهنی یک شاعر یا نویسنده بررسی و تحلیل آثار اوست و در این زمینه آنچه بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد شیوه و سبک شعر اوست. شاعران شعر زلال با بیان ساده و بی‌آلایش حرفشان را رک و بی‌ریا می‌گویند. ساختار درونی اشعارشان دارای انسجام و پیوستگی درونی است و وجه بیرونی شعرشان و نحوه حرکت اوزان با صعود و نزولشان تصویر فتح قلعه‌ای را در وزن مصور مثلثی به تجسم ذهنی رسانده و فضای هندسی جالبی را نمایان می‌سازند.

قابل ذکر است که شعر زلال دارای طول وزن پله‌ای است که بطور مساوی از سطر کم شروع شده و در سطر کم نیز به اتمام می‌رسد. این نوع شعر دارای ۵ الی ۱۱ سطر می‌باشد. از لحاظ وزن به طولانی‌ترین سطر که در میان شعر واقع شده "سطر مادر" و سطرهای اطراف آن را "سطرهای قرینه" می‌گویند. زلال دارای قالب‌های گوناگونی است که هر کدام برای خود اصول و تعاریف خاصی دارند.

شعر نو از نظر قالب سه نوع است:

شعر آزادی یا شکل نیمایی

"شعری است با وزن عروضی، منتهی مصراع‌های آن مانند شعر سنتی محدود به دو و سه و چهار رکن نیست و می‌تواند کمتر از دو رکن و بیشتر از چهار رکن داشته باشد. قافیه در طرز نیمایی جای مشخص و منظم ندارد. اشعار نیما و اخوان و فروغ و سپهری بدین شکل است" (شمیسا، ۱۳۷۶: ۳۰۸)

شعر سپید

نام دیگر آن شاملویی است. "وزن و آهنگ دارد، منتها عروضی نیست. قافیه در این نوع شعر هم جای ثابتی ندارد. شعرهای احمد شاملو از این نوع است" (همان، ص ۳۰۹ و ۳۱۰).

شعر موج نو

"نه تنها وزن عروضی ندارد بلکه معمولاً آهنگین هم نیست و قافیه هم ندارد. فرق آن با نثر معمولاً در ارایه مطلب و نحوه خاص بیان و به‌طور کلی در تخیل شعری است. شعر موج نو به دشواری و تعقید معروف است. از میان این سه شیوه، شیوه آزاد مقبولیت بیشتری یافت و معروف‌ترین و معقول‌ترین و موفق‌ترین اشعار شعر نو به این شیوه است" (شمیسا، ۱۳۸۲: ۳۴۶).

اصول "موج نو"

اصول موج نو به قرار زیر است:

- "شاعر به بارهای تاریخی و اجتماعی ادوات {منظور زبان شعر به معنای وسیع کلمه} نظر دارد.
- شاعر به شکل ترکیبی ادوات توجه می‌کند.
- قدرت خیال‌انگیزی و تجسم آنها را به کار می‌گیرد.
- رابطه‌ی ادوات با یکدیگر بیش از خود ادوات اهمیت دارد.
- وظیفه عملی و روزمره کلمات چیزی است و خود کلمات چیز دیگری.
- شاعر باید میان کلمات، اشکال و اشیا، مناسباتی مبتکرانه و غیر تکراری ایجاد کند.
- شاعر باید به دنبال ایجاد فضای ذهنی تازه و غریب باشد، آن هم نه از طریق توصیف و تشریح بلکه از طریق فضاسازی و آن هم نه سطر به سطر بلکه در کلیت شعر." (زرقانی، ۱۳۸۴: ۶۶۴)
- شعر نو سنتی:** "در سال‌های اخیر از تاثیر و اثر شعر نو و سنتی درهم، غزل نو یا غزل تصویری پدید آمد که هر چند قالب آن سنتی است اما زبان و تخیل آن نوین است. آشتی شعر نو و کهن کم‌کم از غزل به قوالب دیگر چون مثنوی و رباعی هم سرایت کرد و شیوه چهارمی به شیوه‌های شعر نو افزوده شد که می‌توان آن را شعر نو سنتی خواند." (شمیسا، ۱۳۸۲: ۳۴۶)

مقایسه مختصات شعر نو و شعر سنتی**مختصات زبانی**

- الف) "شعر سنتی: لغات و ترکیبات ادبی کهن / قائل بودن به واژگان خاص شعری
- ب) شعر نو: لغات و ترکیبات زبان فارسی امروز / آزادی استفاده از همه واژه‌ها

مختصات فکری

- الف) شعر سنتی: عرفانی - معشوق آسمانی - طرح موضوعات محدود و مشخص
- ب) شعر نو: دنیوی - معشوق زمینی - تنوع موضوعات

مختصات ادبی

الف) شعر سنتی: واحد شعر بیت است - قوالب سنتی چون قصیده و غزل - برای مردم چندان آشنا نیست.

ب) شعر نو: واحد شعر بند است - قالب نیمایی یا سپید - زبانی که برای مردم مانوس است (همان، ص ۳۴۹ و ۳۵۰).

شعر فارسی در دوره معاصر: شعر فارسی امروز به دو گروه تقسیم می‌شود، "که عبارت است از شعر سنتی و شعر نو. به همین مناسبت شاعران معاصر را نیز باید در دو گروه کهن‌سرایان و نو‌سرایان معرفی کرد. برخی از کهن‌سرایان معاصر، شعر نو و شاعران نوگو را نفی نکرده حتی خود نیز در شیوه نو طبع‌آزمایی نموده‌اند مانند: لاهوتی، شهریار، سیمین بهبهانی و چند تن دیگر. اما برخی دیگر از این گروه، با شعر نو مخالف بوده آثاری از این دست را به هیچ عنوان شعر نمی‌دانند. مهدی حمیدی و مظاهر مصفا از مخالفان سر سخت شعر نو در گروه سنتی سرایان هستند. بعضی از نو‌سرایان نیز نه تنها با سرودن شعر به سبک متقدمین در دوران معاصر مخالفتی ندارند بلکه خود نیز اشعار زیبایی بدان شیوه سروده و توانمندی، مهارت و علاقه خود را به این شیوه نشان داده‌اند. فروغ فرخزاد، اخوان ثالث، یداله رویایی و تعداد دیگری از نو‌سرایان در این گروه جای دارند" (حاج سیدجوادی، ۱۳۸۲: ۲۷۳).

نوسرایان یا گویندگان شعرنو: "بیش‌ترین تحولاتی که در شعر معاصر رخ داده حاصل ابداع نیماست: کشف ظرفیت‌های تازه‌ی زبان فارسی و اگر از بن‌بستی هم سخن رفته، یا مدعیانی چیزهایی می‌گویند، نتیجه همین عدم ادراک هنر نیما در بسط دادن و ظرفیت دادن به زبان فارسی است." (جورکش، ۱۳۸۳: ۲۷۳).

"نیما فقط از سمبول استفاده نمی‌کند، بلکه هر جا لازم دید وصف‌هایی نه ذهنی، بلکه عینی از اشیاء به دست می‌دهد" (براهنی، ۱۳۴۷: ۲۳۸)

نوآوری نحوی

"هوراس (۶۵-۸ ق.م) شاعر طنزپرداز رومی، دارنده کتاب‌هایی چون قصاید، غزلیات، مجموعه هجویات و مراسلات منظوم. شاعر و سخن‌سنج رومی می‌گفت: زبان مانند درختان بیشه‌ای است که مجموعه‌ای از برگ‌های کهنه و نو دارد." (یوسفی، ۱۳۷۱: ۷۳۹)

بی‌تردید زبان شعر معاصر، بیش از زبان شعر هر دوره‌ای به درختان مورد نظر هوراس شبیه است. "درختان بیشه شعر امروز در زبان نظم و نثر فارسی در سه قرن چهارم و پنجم و تا حدودی قرن هشتم ریشه دارد و شاخ و برگ آنها در فضای زبان امروز ایران افشان گردیده است. شعر امروز، درکنار تکیه بر شاخصه‌های واژگانی و نحوی زبان کوچه، به شکل بیان زبان گذشته (زبان ادبی) چه در حوزه مفردات و ترکیبات و چه در حوزه نحو کلام (بافت و ساخت) آن سرسپرده است. شاعر امروز بخشی از این‌ها را

مدیون تلاش‌های نیماست. شاعران امروز از "نیما" آموختند که می‌توان به سنت‌های ادبی اعتقاد داشت و شاعر امروز بود" (علی‌پور، ۱۳۸۰: ۷۴).

بافت‌های زبان گفتار: "در هر دوره منبع اصلی حیات در زبان شاعرانه، کلام واقعی آن دوره است؛ منبع کلی بیان، مجموعه‌ای است از ضرب‌المثل، اصطلاح عامیانه و زبان روزمره، فصاحت و اقتباس‌های آگاهانه و ابداعات افراد متفکر و اندیشمند. زبان ادبی، انحصاری کردن این کلیت است که معمولاً اصطلاحات عامیانه و فنی از آن حذف می‌شوند." (هوف، ۱۳۶۵: ۱۱۵).

شعر امروز مدعی است، "می‌خواهد زبان دغدغه‌ها و نعره‌ی گرسنگی و تنهایی انسان باشد، پس به نوعی رابطه با مردم نیز نیازمند است.

ویژگی‌های شعر زلال براساس شعر بیلوردی

پیدایش زلال: "زلال" به‌عنوان قالب و سبک تعریف شده در عرصه شعر، در تاریخ دوم بهمن سال یکهزار و سیصد و هشتاد و هشت هجری شمسی با اصول و توضیحات کامل، به همراه بیست و سه شعر متولد شد و توسط دادا بیلوردی به عالم ادبیات عرضه گردید" (عظیمی بیلوردی، مقاله‌نگاهی دقیق به شعر زلال، سایت تخصصی شعرزلال)

تخلص جناب بیلوردی به "دادا" بحث برانگیز است. وی می‌گوید: "بین خود و خدا چنین قرار گذاشتم که: «قرآن را دو بار به‌طور تصادفی باز کنم، در ابتدای چندمین سطر (دقیق یادم نیست که پنجمین سطر بود یا...) صفحه سمت راست، هر کلمه‌ای که باشد، دو حرف اولش را بردارم بالاخره «دادا» به‌دست آمد" (عظیمی بیلوردی، سخنرانی، ۱۳۸۹/۱۱/۲).

بیلوردی معتقد است؛ در قله پارک ائل گولی تبریز شعر زلال به او الهام شده است. قبلاً در هیچ جا سبک و قالب شعری با این تعاریف و قوانین و ساختار نبوده است. اصل شعری که به بیلوردی الهام شد این است:

ترانه خوان شده‌ای / تو باز ای گلم جوان شده‌ای

بیا که خانه به خانه به خویش سر بزیم / چرا ز عاشق سرمست روزگار خود نهان شده‌ای؟

بیا که بی تو درین آشیانه می‌میرم / چگونه جان دهمت؟ جان شده‌ای

ز دل، گران شده‌ای

"این حالت صعود و نزول رندانه موسیقی کلام و شکل درونی شعر (که چون قله‌ای در ذهن نمایان می‌گردد) چنان مرا مست احوال و غرق در نوعی احساس گرم نمود که مجبور شدم چهل شبانه‌روز

خلوت نموده برایش تعریف و قواعد بنویسم" (عظیمی بیلوردی، مقاله نگاهی دقیق به شعر زلال، سایت تخصصی شعر زلال)

تعریف شعر زلال: "شعر زلال دارای طول وزن پله‌ای است که به‌طور مساوی از کم شروع شده و در کم نیز تمام می‌شود. و دارای ۵ الی ۱۱ سطر می‌باشد. از لحاظ وزن به طولانی‌ترین سطر که سطر وسطی می‌باشد «سطر مادر» و سطرهای اطراف آن را "سطرهای قرینه" می‌گویند. شعر زلال دارای دو نوع (عروضی و آزاد) است که هر کدام برای خود اصول و تعاریف خاصی دارند" (عظیمی بیلوردی، مقاله ظهور زلال، سایت تخصصی شعر زلال)

فواید زلال نویسی: "مهمترین حسن زلال نویسی در این است که شاعر را مکلف می‌کند که هنر خود را بر خلاف عادت گذشته، در جدیدترین و پیشرفته‌ترین قالب بی‌سابقه و بی‌نظیر نیز به عرصه ظهور رسانده و حرف و پیامش را در قالبی حساس جمع و جور بکند و سعی داشته باشد که عصاره تصویر در کلام را به صحنه دید بکشد. هر چند که این فن به دلیل نظم و زبان و خصوصیات خاص خود، تمرکز زیادی می‌طلبد اما شیرین‌ترین تخیل و تصویر و احساس را می‌توان در این قالب به روحی سرزنده و ماندگار پیوند داد.

در «زلال» همه نوع استعداد می‌تواند میدان بگیرد، از استعداد کلاسیکی و نیمایی و سپید و آزاد گرفته تا طرح‌های مختلف ادبی." (عظیمی بیلوردی، مقاله نگاهی دقیق به شعر زلال، سایت تخصصی شعر زلال)

زلال وانواع آن: شعر «زلال» به چهار نوع تقسیم می‌شود که عبارتند از: الف- زلال عروضی قافیه‌دار / ب- زلال عروضی بدون قافیه ج- زلال آزاد / د- زلال پیوسته قوانین کلی زلال در هر چهار نوع شعر جاری است با این تفاوت که:

زلال عروضی قافیه‌دار: "در این نوع شعر قافیه در دو سطر اول و دو سطر آخر است و بقیه سطور یک در میان دارای قافیه است و وزن آن با آهنگ موسیقایی روان عروضی پیش می‌رود. **زلال عروضی بدون قافیه:** شاعر مقید به قافیه در این نوع شعر نیست و می‌تواند بنا به سلیقه استفاده نکند و یا در دو سه سطر جهت زیبایی به کار ببرد؛ وزن این نوع شعر هم با آهنگ موسیقایی روان عروضی پیش می‌رود.

زلال آزاد: دارای ردیف و قافیه و آهنگ روان عروضی نیست.

ساختار زلال آزاد به دلایل زیر دارای ارزش می باشد:

۱- شکل ساختار علاوه بر محتوای ارزشمند، به شعر زیبایی می بخشد. شعر زلال آزاد، در کنار صفحه بصورت مثلث و در وسط صفحه به صورت لوزی و یا در نگاه محیطی به صورت پنج و شش ضلعی منظم نمایان می گردد.

۲- پیام شعر، علی‌رغم آرایه دار بودن، باید بصورت شفاف و زلال به مخاطب منتقل گردد.

۳- شاعر از زحمت عروض، آزاد گشته و باید با تمرکز حواس کلامی نو بسراید. قابل توجه است که شکل لوزی و مثلث و پنج ضلعی و شش ضلعی در انواع ساختار زلال با رعایت قوانین وزن بوجود می آید.

زلال پیوسته: دو یا چند زلال را پشت سر هم با یک مضمون می نویسیم. یعنی اگر دو یا چند زلال را که درباره یک موضوع است را زیر هم قرار دهیم زلال پیوسته است. در این نوع تمام سطرهای قرینه و سطرهای مادر با نمونه‌های هم تراز خود در یک وزن و آهنگ می باشند و این نوع شعر خود دارای سه نوع است: الف) زلال پیوسته‌ی عروضی قافیه‌دار / ب) زلال پیوسته‌ی عروضی بدون قافیه / ج) زلال پیوسته آزاد آنچه قابل توجه است این است که، یکسان بودن وزن سطرهای مادر، در زلال پیوسته لازم و ضروری است. و سطرهای متقارن با سطر مادر باید از لحاظ آهنگ موسیقایی در یک ریتم باشند. (عظیمی بیلوردی، مقاله نگاهی دقیق به شعر زلال، سایت تخصصی شعر زلال)

نمونه شعر زلال:

"یک نفر آنجا

داخل پارک پر از ماتم

در کنار شمعدانی‌ها برای خود

نور می‌گردد و باران محبت زندگانی را

أف برین مه‌ری که من دارم تو داری !

لا به لای آرزوهایی

أف برین باور" (بانک زلال‌های فارسی بیلوردی)

تشریح و بررسی شعر فوق:

ض = ضرباهنگ

۳- یک نفر آنجا (۳ض)

۲- داخل پارک پر از ماتم (۵ض)

۱- در کنار شمعدانی‌ها برای خود (۷ض)

+ نور می‌گردد و باران محبت زندگانی را (۹ض)

۱- آف برین مه‌ری که من دارم تو داری! (۷ض)

۲- لا به لای آرزوهای (۵ ض)

۳- آف برین باور (۳ ض)

نوع ساختار نظم شعر: عروضی

فرم ضرباهنگ (۳-۵-۷-۹-۷-۵-۳)

تعداد ضرباهنگ بین دو سطر=۲

(توجه: تعداد ضرب بین سطرها در همه زلال‌های عروضی فقط ۲ است)

+ = سطر مادم = نور می‌گردد و باران محبت زندگانی را (۹ ض)

۱ و ۱ = سطرهای قرینه:

در کنار شمعدانی‌ها برای خود (۷ ض)

آف برین مه‌ری که من دارم تو داری! (۷ ض)

دارای آهنگ یکسان

۲ و ۲ = سطرهای قرینه:

داخل پارک پر از ماتم (۵ ض)

لا به لای آرزوهای (۵ ض)

دارای آهنگ یکسان

۳ و ۳ = سطرهای قرینه:

یک نفر آنجا (۳ ض)

آف برین باور (۳ ض)

دارای آهنگ یکسان

طبق قانون کلی زلال، شعر فوق زلال و از نوع عروضی بدون قافیه است.

نکته قابل توجه: گاهی اوقات در بعضی زلال، ضربی که در هوا می‌ماند به شمارش نمی‌آید. به عبارتی،

نیم هجای اضافی در ترتیب موسیقایی شعر رعایت می‌گردد اما نوشته نمی‌شود.

دریا منم (زلال عروضی قافیه‌دار)

دریا منم

دریای بی پروا منم

چون قله‌ای آکنده از رویا منم

دل مویه‌های آدم و شب‌گریه حوا منم
 در گوش جان خستگان نجوا منم
 پروا مکن زیبا منم
 دریا منم ...

شاعر: کامران آوخ کیسمی ۱۳۸۹ / ۱۰ / ۱۹

زالال فوق در وزن «مستفعلن» با دخالت «مستفعلن» می‌باشد:

مستفعلن

مستفعلن مستفعلن

مستفعلن مستفعلن مستفعلن

مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

مستفعلن مستفعلن مستفعلن

مستفعلن مستفعلن

مستفعلن

قوانین زلال:

۱- سطر اول و آخر دارای حداکثر پنج ضربه‌نگ در وزن مثلثی عروضی و یا حداکثر شش عدد هجا در وزن مثلثی آزاد باشد. ۲- تعداد ضربه‌نگ بین دو سطر (تفاوت پله‌ای بین دو سطر همجوار از هم) در وزن مثلثی عروض، فقط.

۲- عدد و تعداد هجا در وزن مثلثی آزاد حداکثر تا شش عدد که با یک فاصله مساوی به‌طور پله‌ای نزول و صعود داشته باشد. (مثال: یعنی اگر تعداد ضربه‌نگ سطر دوم از تعداد ضربه‌نگ سطر اول، دو تا بیشتر باشد باید تعداد ضربه‌نگ سطر سوم هم از سطر دوم، دو تا بیشتر باشد. به همین ترتیب دو به دو و پله‌ای صعود می‌کند تا سطر مادر و بعد به همان اندازه بطور متقارن و با فاصله ی یکسان کاهش می‌یابد).

۳- ریتم موسیقایی از ابتدا تا آخر بطور روان حفظ گردد.

۴- تعداد سطرهای هر زلال، از ۵ کمتر و از ۱۱ بیشتر نباشد.

۵- سطرها زیر هم نوشته شوند.

۶- سطرهای متقارن، از لحاظ طول وزن عروض یا تعداد هجا و تعداد ضرباهنگ باهم مساوی باشند. (توجه: تعداد ضرب بین سطرها درهمه‌ی زلال‌های عروضی فقط ۲ است) " (عظیمی بیلوردی، مقاله‌ی نگاهی دقیق به شعر زلال، سایت تخصصی شعر زلال)

آیا «زلال» قالب و سبکی جدید است؟

اگر شعری بخواهد زیر مجموعه قالب و سبکی قرار گیرد باید «هنجار»های مشترک با آن سبک یا قالب داشته باشد:

الف- قالب‌های منظوم کلاسیک (مثل غزل، مثنوی، رباعی و...) دارای هنجارهایی است که عبارتند از:

۱- قالب دارای شکل مربع و مستطیل است

۲- دارای «بیت» است.

(تعریف بیت: دو مصرع هم طول و هم وزن که می‌تواند بی‌قافیه یا با قافیه باشد)

۳- ساختاری منظم دارد

به‌عنوان مثال، می‌توانیم با در نظر گرفتن هنجارهای مشترک فوق، غزل را زیر مجموعه قصیده و یا دو بیتی و چهارپاره را زیرمجموعه‌ی برخی از قالب‌های منظوم کلاسیک بدانیم.

ب- قالب‌های منشور کلاسیک (مثل نثر روان عروضی، نثر مرسل، نثر محاوره‌ای، نثر شکسته، نثر بینابین، نثر مسجع، نثر عالی و...) دارای هنجارهایی است که عبارتند از:

۱- این قالب بی‌شکل است

۲- خارج از قاعده و اصول بودن برش سطور و سلیقه‌ای بودن آن

۳- دارای ساختار نامنظم است

۴- آزادی در چگونگی رانش مطلب و ظرفیت محتوا.

برای مثال، با در نظر گرفتن هنجارهای مشترک فوق، نیمایی و سپید، زیر مجموعه قالب‌های منشور کلاسیک می‌باشند.

ج- قالب‌های سبک زلال (مثل زلال عروضی قافیه‌دار، زلال عروضی بی‌قافیه، زلال عروضی پیوسته، زلال آزاد و...) دارای هنجارهایی است که عبارتند از:

۱- این قالب دارای شکل مثلث یا پنج ضلعی و شکل لوزی یا شش ضلعی است

۲- دارای سطر مادر است

۳- دارای سطور قرینه است

۴- دارای راز «۲» است

۵- شروع و اتمام محتوا طبق اصول و قاعده است

با توجه به هنجارهای مشترک ذکرشده، شعر «زالال» نمی‌تواند زیر مجموعه منظوم کلاسیک و یا زیرمجموعه‌ی منشور کلاسیک باشد. بلکه خود قالبی جدید و سبکی منحصر به فرد است.

دگرگونی و تحول زبان

هنگامی که سخن از شعر نو می‌شود ممکن است برخی تصور کنند که اشعار بزرگان قرن‌های گذشته تکراری و کهنه شده است و برای مطالعه مفید نیست. اما حقیقت این است که اگر کسی به اشعار کلاسیک و آثار دیروز تسلط نداشته باشد قادر به ساختارشکنی و نوآوری در شعر امروز بطور شایسته نخواهد بود.

منظور از شعر نو، شعری است که دارای ترکیبات، تشبیهات و تصاویر غیرتکراری و به‌طور کلی دارای زیبایی و خلاقیت در حد فهم مردم امروز باشد. ممکن است شاعری غزل کلاسیکی خلق نماید که در آن فقط دو مورد ترکیب تازه وجود داشته باشد، این امر غزل را تازه و نو می‌کند و قادر نخواهیم بود تمام قافیه‌ها و ترکیبات و تشبیهات بکار برده شده دیروز را از شعر امروز حذف کنیم. در مطالعات انجام شده دیده می‌شود که اکثر آنهایی که مدعی ساختارشکنی و نوآوری در عرصه شعر هستند، از اندیشه‌های عمیق بزرگان گذشته بهره‌مند شده و مدیون نوآوری‌های آنان هستند.

شعر در ادبیات جهان؛ رو به توسعه و دیگری دارد؛ این دگرگونی در زبان‌های مختلف دنیا به‌ویژه در زبان فارسی کاملاً طبیعی است. زیرا لحظه به لحظه تفکرات عمیق و استعداد‌های عالی در سایه‌ی دنیایی از تکنولوژی و فنآوری اطلاعات به عرصه شکوفایی و ظهور می‌رسند. عالم شعر، عالم عجیبی است و اینک روشنی این عالم بخصوص در شعر نو آشکار می‌گردد. منظور از شعر نو (شعرامروزی) همه نوع شعر در قالب‌های مختلف از جمله مثنوی، قصیده، غزل، رباعی، دوبیتی، انواع ترانه‌ها و طرح‌ها و سایر قالب و چهارچوب‌هایی است که به نوعی حرف تازه دارند و از تشبیهات و ترکیبات و زیبایی‌های خاصی در سلیقه‌های متنوع امروزی برخوردار می‌باشند و تصویرهای غیرتکراری عبارت‌ها و مضمون آنها نسبت به گذشته کمی یا حتی کاملاً متفاوت گشته است. به عنوان مثال: دیروز «گریه» مختص چشم و دل بود. اما امروز می‌بینیم که «لب» و دست هم گریه می‌کند، و حتی احساس هم به دیده خیال خون گریه می‌کند و شاید فردا همه‌ی اعضای روح امید بیافریند. دیروز تشنگی مختص برآب بود، امروز مختص همه چیز. دیروز تشنگی مختص لب و دل و سینه و جگر بود ولی امروز می‌بینیم (پا) هم تشنه می‌شود، فردا شاید عطش خودش تشنه پا بازو گردد.

بنابراین اکنون زمان چنین اقتضاء می‌کند که ریشه را در گذشته و حال پاس داریم. **شاعران نوسرا**

دارای سه نوع شخصیت هستند که عبارت است از:

الف) شاعران حال نگر

ب) شاعران آینده نگر

ج) شاعران حال و آینده نگر

الف) شاعر حال نگر: "شاعر حال نگر تلاش دارد مخاطب‌های خود در زمان حاضر را نگه دارد. این گروه از شاعران، اکثراً به ریشه و مغز و جنس واژه‌ها چندان توجهی ندارند و بیشتر متوجه رساندن پیام مورد نظر شان هستند. شاعران حال نگر محبوب مردم زمانشان می گردند. آنان به حال توجه دارند و اغلب آنان در خصوص ترانه و عاشقانه‌ها، طنز و حماسه فعالیت دارند" (عظیمی بیلوردی، مقاله ساختار شکنی در شعر، سایت تخصصی شعر زلال)

ب) شاعر آینده نگر: "شاعر آینده‌نگر در عمق احساسات و در طول هیجانات، سعی بر آن دارد که برای نسل‌های آینده‌ی خود مفید واقع گردد. این چنین شخصیتی در چینش کلمات و گزینش عبارت‌های خود حساسیت نشان می‌دهد. شاعر آینده‌نگر شخصیتی جدی برای خلاقیت‌آفرینی در پاسخ به نیاز زمانش بوده و علاوه اینکه سعی دارد تازه‌گویی بکند، در فکر ماندگار بودن اثرش نیز می‌باشد و برتسلسل ادوار اعتقاد دارد. بنابراین به همین خاطر و هم به جهت جلب رضایت اکثریت مردم زمان خودش، واژه‌های با اصالت فرهنگش را از بین نمی‌برد و در صورت نیاز به تغییر ساختار زبانی، با گزینش و احتیاط وارد عمل می‌شود." (همان).

ج) شاعر (حال و آینده نگر): "شاعر حال و آینده نگر هم نسل حال را نگه می‌دارد و هم برای آینده‌ی فرهنگش ایجاد انگیزه می‌کند. در واقع نگاه این گروه از شاعران، تلفیقی از احساس‌های شاعران حال نگر و شاعران آینده‌نگر می‌باشد. در خلق شعر امروزی طوری تلاش می‌کنند که ضمن برآورده کردن نیاز و خواسته‌های کنونی جامعه، برای نسل آینده هم مفید می‌گردند. بنابراین این گروه از شعرا به شرط حفظ اصالت فرهنگ و ادب خویش، موفق‌ترین شخصیت در نگاه تاریخ می‌باشند." (همان)

روند صعودی زلال‌سرای: روند صعودی زلال‌سرایان آشکار است، حقیقت این امر با ظهور افرادی چون: آقایان خجسته، گوران، صلاحی، چهار تنگی، سالک، آوخ کیسمی، و خانم‌ها تاج‌بخش، میترا،... که از تاثیرگذاران و راهنمایان زلال به حساب می‌آیند مبرهن و واضح است و نمی‌توان آن را پنهان کرد. اکنون آهنگ‌سازی روی شعرهای زلال شروع شده و دیری نمی‌گذرد که موسیقی زلال وارد بازار می‌شود. «شعر زلال» راه خود را یافته است و با سرعت تمام پیشرفت می‌کند و کاملاً تخصصی و علمی بوده و دارای قوانین و اصول خاصی می‌باشد. قالب بندی، نحوه بیان سطر به سطر و زبان منظم بخصوص درنوع عروضی قافیه‌دار کاملاً مشهود است، و نوع بررسی وزن و چهار چوبش با سایر اشعار (چه نظم کلاسیک، چه نثر کلاسیک و...) به‌طور صد درصد تفاوت دارد. ساختار خارجی شعر زلال از اشعار دیگر متفاوت است و شیوه‌ی بیان این ساختار سبب ایجاد سبک جدید است. در نتیجه: زلال هم قالب است و هم سبک. ساختار قالب و آرایش هندسی و شیوه بیان و خوانش به شکل خاص خودش و همچنین قالب قانونمند آن، «شعر زلال» را از سایر شعرها متمایز می‌کند.

«شعر زلال» دارای سبک مستقلی است زیرا: ۱- در قطعات نیما (قالب نثر کلاسیک)، بیان عبارات، به‌طور نامنظم است ولی بیان عبارات در شعر زلال به‌طور منظم صورت می‌گیرد. یعنی وقتی که کسی اثر نیما را می‌خواند، می‌تواند در بلندترین سطر آن، نوا را کمی تغییر بدهد و یا مکشی داشته باشد اما این اعمال سلیقه در شعر زلال ممکن نیست.

۲- شعر زلال، قالب‌های متعدد تعریف شده‌ای دارد اما در اثر نیما این‌گونه نیست.

۳- در شعر زلال (در نوع عروضی قافیه‌دار)، آرایه قوافی بطور منظم و با اصول خاص پیش می‌رود اما در نثرها و بخصوص قطعات نیمایی آرایه قوافی بطور تصادفی و غیر متقارن است.

۴- در شعر زلال، سطرها به‌طور منظم و از روی اصول خاص، بلند و کوتاه می‌شوند (چه در نوع عروضی قافیه دار و چه در نوع عروضی بدون قافیه)، اما در آثار نیمایی بطور نامنظم.

۵- شعر زلال دارای وزن معلوم و تعریف شده می‌باشد اما نثرها وزن عروضی معلوم و تعریف شده ندارد. حتی نحوه بررسی و تقطیع و تشریح قالب و وزن هم در زلال با سایر شعرها و نثرها صددر صد فرق می‌کند.

۶- قالب‌های عروضی سبک شعر زلال با ریتم یکسان پیش می‌رود و در خواندن، دارای امواج متقارن و منظمی بوده و شور و جوش خاصی (به‌دلیل موسیقی درونی سطور قرینه) به همراه دارد. لذا با زبانی روان و متفاوت اجرا می‌گردد. در حالی که در بررسی آثار مختلف معاصر (قطعاتی از نیما و امثالهم) با سکنه‌هایی بیانی مواجه هستیم.

۷- سبک شعر زلال، قالب‌های منظم و تعریف شده دارد اما شعر نو، اینها را ندارد.

۸- آثار نیمایی در خواندن و طرز بیان، اغلب با مکث بدون فواصل مساوی همراه است اما شعر زلال در خوانش، خودش را معلوم می‌کند که شعر زلال است. برای اینکه سطرهای شعر به‌طور منظم بلند و کوتاه می‌شوند (چه در بی قافیه و چه در قافیه‌دار) و دارای سطور مادر و سطور قرینه بوده و این‌ها در شیرینی و طرز بیان نیز اثر بخصوصی دارد. بنابراین ویژگی‌هایی که شعر زلال را از سایر اشعار

جدا می‌سازد عبارتند از :

شیوه بیان بخصوص

موسیقی شعر

طرز تخیل و حرکت تصویر

زبان رک و راستی بدون ملاحظه

ترکیبات کلامی آهنگین در وزن منظم مواج

انحراف از هنجار

آسان نبودن ورود به قالب زلال برای همه.

تشریح و بررسی ویژه در ساختار

دارای انواع گوناگون با تعریف‌های خاص.

- یادآوری این نکته خالی از لطف نیست که شیوه‌ی بیان و موسیقی و هندسه منظم کلامی وزبانی در شعر زلال، مختص خود زلال است و بر هیچ فرم منظم تعریف شده (مانند: غزل- رباعی- دوبیتی- مثنوی و...) یا فرم غیر منظم تعریف نشده‌ای (مانند: نثر نیمایی- نثر سپید- طرح و...) گرایش ندارد.

قالب در سبک زلال، منظم و تعریف‌دار است و دارای زبان موسیقایی و بیان منحصر به فرد و لطافت کلامی است. این گفته بدین معنا نیست که نثرهای آهنگینی مانند مناجات‌نامه شیخ عبدالله انصاری و انواع نثرهای مسجع و فنی دارای ریتم و هندسه و آهنگ نیستند. بلکه آنها متفاوت از سبک زلال می‌باشند.

نحوه ترکیب عبارات تخیل‌آمیز، شیوه بیان در یک فضای فکری و زبانی و لحنی (نفس نفس)، در یک قالب منظم و تعریف شده بی‌نظیر منحرف از هنجار، خود دلیلی بر ظهور سبکی جدید به نام (زلال) می‌باشد. قالب‌های منظوم کلاسیک و نثرها (از جمله نثرهای مختلف امروزی) برای خودشان شیوه و نحوه بیان خاصی دارند و سبک زلال هم از این قاعده مستثنی نیست. لذا یادآوری این نکته ضروری است که هر نثر و ترانه و قطعه‌ای که به ظاهر، شبیه زلال باشد ولی باقانون و خصوصیات و تعاریف و شیوه بیان و زبان منظم موسیقایی زلال آمیخته نگردد، خارج از سبک زلال است. راز مهمی که شیوه بیان را در قالب عروضی زلال و تعاریف و قوانین زلال به آن تاکید شده است، تفاوت بین سطور فقط با ۲ ضرب آهنگ می‌باشد و این راز (دو به دو) می‌باشد که باعث انحراف ویژه از هنجار شده است.

نتیجه‌گیری

در آفرینش شعر آنچه در کنار تخیل و تصویر مورد توجه است ترکیب‌سازی و معنی‌آفرینی و موسیقی شعر است. در قالب شعر، "کلام" باید دارای تعریف و چهارچوب باشد. اما برای آن که ما شعر بودن برخی نثرها را بپذیریم تعریف قالب شعر را تغییر دادند و در واقع، به تعریف قالب شعر چنان بال و پر بستند که بتوان نثر را نیز به‌عنوان شعر بر ادبیات تحمیل کرد. قداما به هر سخن مزین به تخیل و استعاره شعر می‌گفتند. این بیانگر آن است که حس شعریت در نثر را درک کرده بودند؛ از قرن ششم شعر در قالب نثر، مثل انواع بحر طویل یا نثر موزون افاعیلی و نثرهایی فنی رواج یافت.

لیکن این امر معایبی به شرح زیر در پی داشت:

۱- پس از روی کار آمدن نشریات و روزنامه‌ها و به‌خصوص رونق یافتن صنعت چاپ، گروهی از قالب شدن نثر بر ادبیات، جهت رسیدن به نام و شهرت، استفاده کردند و نسل را به گنج خواندن و گنگ نوشتن‌ها هدایت کردند.

۲- با ورود قالب‌های مختلف نثر بر گروه شعرها، تنبیل‌پروری را در جامعه ادبیات رواج دادند و در تشخیص هنرمند و غیرهنرمند دچار سر درگمی شدند.

به‌جای یادگیری نظم و وزن و موسیقی جهت به روز کردن و پخته‌تر کردن غزلیات و رباعیات و... به نثر نویسی پناه بردند و چنان در این نثرنویسی پیش تاختند که گویا اجداد ما در اشتباه بودند که شعر می‌سرودند!

۳- با رایج کردن قالب نثر به‌عنوان قالب جدید شعر، نظام موسیقی را خراب کردند. از بین بردن اصالت موسیقی تمدن ما منوط به انهدام اصالت قالب‌های منظوم است نه منثور. قالب‌های منظوم در سبک فرم کلاسیک عبارت از غزل، رباعی، مثنوی و... و قالب‌های منظوم در سبک فرم زلال عبارت از زلال قافیه‌دار، زلال بی قافیه و زلال پیوسته می‌باشد. قالب‌های منثور نیز عبارت از انواع نثر از جمله: بینابین، نثر مسجع و نثر فنی، نثر موزون افاعیلی (نیمائی و نثر کوتاه یک سطری و دو سطری و سه سطری و...) و نثر مرسل فنی (سپید و...) و امثال این می‌باشند.

۴- با وارد کردن قالب نثر به گروه شعر ادبیات فارسی، شاعران نارس راحت‌طلب شدند و دیگر به یادگیری اوزان و موسیقی نمی‌اندیشند. کلمه‌ای می‌نویسند و دیگران هم هزار کلمه بر تفسیر آن می‌نگارند.

۵- بدون تفکر، تکرار دوباره سبک و قالب‌های نثر قدیم را ساختارشکنی نامیدند و نثر مسجع و فنی و انواع بحرطویل و نثر موزون افاعیلی را بدون قاعده نوشتند و آن را «شعر نو» نامیدند!

۶- باتشویقات و توجیهات غیرمنطقی، جوانان سوی نثرنویسی بدون چهارچوب، با عنوان شعرنو؛ نوعی پس‌رفت در ادبیات پیش آمد. اکنون دیگر بیشتر جوانان با استعداد دنبال یادگیری اوزان نمی‌روند و ادعای شاعری می‌کنند. در واقع می‌توان گفت به نوعی جلوی نوآوری در قالب و اوزان عروضی گرفته شد.

پس می‌توان گفت:

۱- در قالب نثر، سطرها بی‌قانون کوتاه و بلند می‌شوند و عرض و عمود آنها از روی اصول نیست. پس در این شکل قالب، تغییر جدیدی روی نداده و هیچ اتفاقی نو در ساختار شکنی و هنجارشکنی صورت نگرفته است. اما در قالب‌های زلال، کوچک و بزرگ شدن سطور از روی اصول است. قالب زلال از عرض و طول و ارتفاع قابل کنترل می‌باشد. پس بنابر این در بین نثرها نظیر ندارد.

۲- در قالب‌های منظوم (غزل، قصیده، رباعی...) سخن از بیت و وزن‌های یکسان مصراع‌هاست در حالی که قالب‌های زلال، دارای بیت و وزن‌های یکسان نیست. بلکه صحبت از سطر مادر و سطور قرینه و راز «۲» می‌باشد. (راز «۲» در زلال یعنی: فواصل بین سطور، فقط دو ضریب‌هنگ است).

بنابراین: قالب زلال در بین قالب‌های منظوم کلاسیک هم نظیر ندارد و "زلال" قالبی منحصر به فرد و

ساختار شکن و هنجارشکن است و مستقل و متفاوت از قالب‌های منظوم (غزل، مثنوی، رباعی، چهار پاره و امثالهم) و منثور (مرسل، بحرطویل، مسجع، بینابین، نثر کوتاه، نثر بلند، نثر فنی، نثر موزون افاعیلی و...) می‌باشد. با تفکر در مباحث فوق در می‌یابیم که: «زالال»، در زمان حاضر، قالبی بی‌نظیر و جدید است.

اینک در چنین وضعی که بسیاری از تعصب‌های ناعادلانه، بزرگ‌نمایی‌های بیجا و بی پایه و خروج از ادب و نظام، حتی در بین بزرگ‌مردانی از ادبیات بر پا گشته است، ظهور دنیای جدیدی از ادبیات به نام «سبک زالال» را شاهد هستیم که آسمانش با اشکال مثلث و لوزی و پنج ضلعی و شش ضلعی مزین گردیده و ستاره‌هایش به مرور زمان در مدار اصلی خود قرار می‌گیرند. همان‌گونه که هرمستطیل و مربعی فرم قالب غزل و رباعی و مانند آن نیست هر مثلث و لوزی و پنج ضلعی و شش ضلعی نیز قالب انواع زالال نمی‌باشد. بلکه این اشکال مطابق وزن‌های قانونی و تعریف شده ایجاد می‌گردند.

چهار اصل مهم در علم جدید ساختار شناسی شعر:

۱- انواع نثر ساده ادبی، فنی و مسجع، انواع نثر موزون افاعیلی، انواع بحر طویل، به دلیل نداشتن شکل قانونند قالب، در طبقه نثر کلاسیک قرار می‌گیرند که قالب‌های نیمائی و سپید نیز از این امر مستثنی نیستند.

۲- قالب‌هایی که شکل قانونی ساختارشان مربع و مستطیل و یا ترکیب و مشتقاتی از این دو است در طبقه نظم کلاسیک قرار دارند.

۳- قالب‌هایی که شکل قانونی ساختارشان مثلث، لوزی، پنج ضلعی منظم و شش ضلعی منظم یا ترکیب و مشتقاتی از این‌ها می‌باشد در طبقه زالال قرار می‌گیرند.

۴- روند موسیقی در قالب‌های منظوم کلاسیک، منظم هموار، در قالب‌های منثور کلاسیک، نامنظم و ناهموار و در قالب‌های زالال، منظم موج می‌باشد.

موجودیت شعر زالال: در این چند سال موجودیت "شعر زالال"، به اثبات رسیده است. از روزی که شعر زالال توسط «بیلوردی» پا به عرصه ادبیات معاصر گذاشت، شش سال می‌گذرد. در این مدت کوتاه سبک زالال پیروان خاص خود را به دست آورده و امروز شاعرانی از کشورهای ایران، افغانستان، تاجیکستان، آذربایجان، و... در این سبک شعر می‌سرایند. "عظیمی بیلوردی، مقاله‌نگاهی دقیق به شعر زالال، سایت تخصصی شعر زالال) به نمونه‌ای شعر زالال از سرکار خانم دکتر ثریا حکیم آوا (محقق و استاد ادبیات دانشگاه تاجیکستان) توجه فرمایید:

پنجره‌ام باز شد

مرغ دل، آماده پرواز شد
می‌روم اکنون به تماشای پس‌پنجره
صفحه‌ای از زندگی آغاز شد.
عشق مرا ناز شد
آنچه در نو بودن یک شعر دخالت دارد:

۱- ابعاد هنری آن است که عبارت است از: سبک نو، ریتم و آهنگ و کاربرد و صنایع و آرایه‌های ادبی و ساختار بیرونی.

ظرفیت قالب زلال به‌عنوان سبکی نو می‌تواند همه انتظارات یک شاعر را برآورده کند پس شایسته است از این ظرفیت‌ها که در قالب‌های شعری دیگر نیز کم نیستند، با تحقیق و بررسی دقیق ماهرانه استفاده کرد.

۲- رشد جنبه هنری شعر، که در ایجاد آن عبارت و ترکیب‌های تازه جایگاه خاصی دارد. در سبک زلال همین نکته عامل مهم، نو بودن این شعر است. مطرح کردن این سوال خالی از لطف نیست که: آیا از شعر تعریفی داریم که در آن صحبت از موارد زیر نباشد؟

هنریت برتر - عاطفه و شوق و الهام - موسیقی کلام - احساس - تخیل - تصویر ریتم و آهنگ - آرایه‌های شعری. موارد فوق همه در شعر زلال وجود دارد. بنابراین ثابت می‌شود که "زلال شعر است. قانون کلی زلال در انواع شعر زلال مراعات می‌گردد با این تفاوت که: در نوع عروضی قافیه‌دار، قافیه مشاهده می‌شود و در نوع بی‌قافیه از آوردن قافیه صرف نظر شده است و در نوع آزاد بصورت هجائی عمل می‌گردد.

در زلال آزاد بیشتر روی تصویر و تخیل و کوتاه‌گویی و آرایه‌های نادر، تمرکز می‌شود. و مقید به ردیف و قافیه و اوزان عروضی نیست، اما قابل ذکر است که زلال آزاد، از قانون کلی خارج نمی‌شود، بلکه فقط از قید اوزان عروضی و ردیف و قافیه آزاد می‌باشد. در این شعر، طبق قانون کلی زلال، فاصله بین سطرها با شمارش هجاها مراعات می‌گردد. یعنی سطر اول و آخر هر کدام دارای حداکثر شش هجا می‌باشد و تعداد هجای بین دو سطر "تفاوت پله‌ای بین دو سطر هم‌جوار از هم حداکثر تا شش بوده و بایک مقدار تفاوت به‌طور پله‌ای نزول و صعود دارد.

شعر زلال مانند نگین با ارزش انگشتری است که بادقت به جلایش افزوده می‌گردد. در زلال عروضی قافیه‌دار، مهارت لازم است و به‌دلیل لذت موسیقائی خاص، دارای اهمیت و سرودن شعر در این نوع قالب، بیشتر مدنظر است. معمولاً پیام در زلال برای مخاطب شفاف و صاف و روشن است. اگر چند زلال را طبق رعایت موارد زیر پشت سرهم بنویسیم به آن زلال پیوسته می‌گویند به شرط آنکه:

- ۱- مجموع تعداد سطور زلال‌ها با هم مساوی باشند.
- ۲- محتوای کلام یکی باشد (یعنی زلال اولی در یک محتوا و دیگری‌ها خارج از محتوا نباشند).
- ۳- وزن همه‌ی زلال‌ها یکسان بماند.
- ۴- در صورت قافیه‌دار بودن، آرایش قوافی در زلال‌ها به صورت یکسان عمل شود (یعنی زلال اولی یک در میان قافیه و بعدی‌ها تمام قافیه یا بی قافیه نباشند)
- ۵- سعی شود زلال‌ها با یک سطر از همدیگر فاصله گیرند.
- ۶- هر قطعه زلال در نوع پیوسته، علی‌رغم رعایت یکسانی آرایش قافیه، قوافی مستقلی دارد. در زلال پیوسته محدودیتی نیست.

منابع

۱. براهنی، رضا (۱۳۴۷). طلادرمس، انتشارات کتاب زمان، چاپ دوم.
۲. جورکش، شاپور (۱۳۸۳). بوطیقای شعرنو، انتشارات ققنوس، چاپ اول.
۳. حاج سیدجوادی (۱۳۸۲). حسن، ادبیات معاصر ایران، انتشارات گروه پژوهشگران ایران، چاپ اول.
۴. زرقانی، سیدمهدی (۱۳۸۴). چشم انداز شعر معاصر ایران، انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، تهران، چاپ دوم.
۵. شمیسا، سیروس (۱۳۷۶). انواع ادبی، انتشارات فردوس، چاپ هفتم.
۶. _____ (۱۳۸۲). سبک شناسی شعر، انتشارات فردوس، چاپ نهم.
۷. علی‌پور، مصطفی (۱۳۸۰). ساختارزبان شعر امروز، انتشارات فردوس، تهران، چاپ دوم.
۸. هوف، گراهام (۱۳۶۵). گفتاری درباره نقد، ترجمه نسرین پروینی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول.
۹. یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۱). چشمه روشن (دیداری باشاعران)، انتشارات علمی، تهران، چاپ چهارم.

منابع اینترنتی

- عظیمی بیلوردی، ابوالفضل، ۱۳۹۳/۱۱/۳۰، بانک زلال‌های دادا.
<http://zolalfarsi.blogfa.com/>
- عظیمی بیلوردی، ابوالفضل، ۱۳۸۸/۱۱/۱، مقاله ساختار شکنی در شعر.
<http://hagzolal.blogfa.com/cat-16.aspx>
- _____، ۱۳۸۹/۱۱/۲، سخنرانی درخصوص زلال در اولین سالگرد تولد زلال.
<http://hagzolal.blogfa.com/cat-9.aspx>
- _____، ۱۳۸۸/۱۱/۲، مقاله ظهور زلال (تعاریف و توضیحات).
<http://hagzolal.blogfa.com/cat-14.aspx>
- _____، ۱۳۹۲/۲/۸، مقاله نگاهی دقیق به جریان شعرزلال (اثبات سبک بودن زلال).
<http://www.hagzolal.blogfa.com/cat-23.aspx>